



• پنج‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۵۰

حدیث روز

امام هادی (ع): نادان، اسیر زبان خویش است.

ذکر روز پنج‌شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملک

الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی

محمد وآل محمد»

در محضر بزرگان

زود تر برسیم تا وقت تمام نشده

مرحوم آیت‌... مجتهدی تهرانی فرمودند:

اگر از آن دسته‌ای هستی که در کار خدا مانده‌ای، ته دلت به خدا غر می‌زنی، حتما نگاه کن و گوش بسیار! مسیر زندگی ما، طراحی دست خداست! کسی که به مربی‌گری و طراحی خدا ایمان و اعتماد داشته باشد، در هر شرایطی، راضی است و دلش آرام است. اگر ناراحتیم از روزگار و مدام نق می‌زنیم سر خدا، دلایلش این است که هنوز به او اعتماد نداریم. به‌طور دگاری و مدیریتش ایمان نداریم! زودتر برسانیم خودمان را به مقام رضا که دارد وقت تمام می‌شود!

سخنرانی مکتوب

قرار مدار

روز کوتاه کردن موهام امروز به آرایشگاه ببرید و محل مهمان‌تون رو کمی تزیین بدین و آگه مزینتش رو دایره کامل اونا رو کوتاه کنین واسه تلوع فیللی فوبه

اندکی صبر

لب خند

رحمان نقی‌زاده

مهم نیست چندمین روز رفته از زمستان باشد بعضی لب‌خندها به خورشید مر داد می‌مانند می‌تابند و گرم می‌کنند

پرونده‌های مجهول

موجود فضایی در آمازون

فاطمه قاسمی مترجم

بر اساس نظریه «فانسانوردان باستان»، موجودات فضایی پیشرفته‌ای در دوران باستان به زمین آمده‌اند و به گفته گروهی از پژوهشگران، شواهد فیزیکی و فرهنگی زیادی از ارتباط انسان‌های باستان با موجودات فضایی در دسترس است. یکی از این شواهد فرهنگی در آیین و رسوم به‌جا مانده به قبیله‌ای در آمازون به نام «کایاپو» مربوط می‌شود که در آن مجسمه‌هایی وجود دارد که افراد لباس‌های فنانسانوردان را بر تن دارند و همچنین بومیان در مراسم‌شان از نوعی پوشش استفاده می‌کنند



دنیا به روایت تصویر



ای پی‌ای | شست‌وشودر ساحل دریاچه، کشمیر هندوستان

فتوشعر انتظار



با خانمان

حالا که دوروز خونه‌ای

زهرا فرنیبا | طنزپرداز

اگر این ستون رو دنبال کرده باشین و تقویم باخانمانی دستتون باشه، متوجه می‌شین دو هفته پیش من امتحان آخرم رو دادم و فکر می‌کردم دیگه تموممه! زندگی جدید سلام! دو هفته بین دو ترم تعطیل بود. توی این دو هفته تمام جملات خانواده با این عبارت آغاز می‌شد: «حالا که دوروز خونه‌ای، اتاقت رو جمع کن.» با این که اتاق من کار دوروز و دو هفته نیست، ولی باشه منطقیه. اما دیگه پارواز حد فراتر می‌ذارن: «حالا که دوروز خونه‌ای، این ظرفا رو بشور.» یا «حالا که دوروز خونه‌ای، پرده‌هارو از میل پرده بکش پایین بشور.» یا «حالا که دوروز خونه‌ای ماشین رو بشور.» یعنی این دوروز فقط «ماشین بشور» می‌کنه آدم‌رو!

الان که شما این ستون رومی خونین پنج‌شنبه آخر منتر به هفته‌ایه که شنبه‌اش من باید دوباره برم دانشگاه. میشه بیشتر از این هم نرفتا! ولی همیشه به سری هم‌کلاسی‌کوشا و عزیزدل وجود دارن که دلشون برمی‌زنه برای دانشگاه. بهشون بگی فردای امتحان پاشو بیا سر کلاس می‌گن: «فردا چرا؟ همین الان مگه چشه؟» اما این دسته از دانشجویها وجودشون اصلا اشکالی نداره، در صورتی که شاگرد اول کلاس باشن و آدم بتونه در کشون کنه! بابا تو که با ۱۳ همه رو پاس کردی، چته که می‌خوای شیرین بازی درآری بری دانشگاه؟ تا الان با این روش نمره گرفتی؟ یعنی ۱۳ رو هم این شکلی می‌گیری؟ بابا به جای این کار هاده دقیقه بیشتر درس بخون، به خدا خیلی بهتر جواب می‌ده. تازه اینا غول مر حله آخر نیستن. غول مر حله آخر به ماه دیگه سراغ مون میاد که دم عیده و خود استادها دست‌شون به خونه تکنونی بند. دانشجوی عزیز! مادر تو آگه ازت در حد جان دادن کار نمی‌کشه، دلیل نمی‌شه انرژی ذخیره شده‌ات رو بیاری دانشگاه مصرف کنی. برو باشگاه، برو آیروبیک. اصلا مشکل اینیه که دانشگاه‌های ما دیگه ماهیت دانشگاه بودن‌شون رو از دست دادن. دانشجویام دانشگاه که از اینترنت پرسرعت کتابخونه استفاده و سریال دانلود کنه. دانشجویام دانشگاه تاتوی کافی‌شاپ که به‌ذره قیمت‌هاش بهتر از برونه، قهوه بخوره. دانشجوی وطن میاد دانشگاه تا با نامزدش راحت‌تر رفت و آمد کنه، چون باباش اجازه نمی‌ده باهم برن بیرون. اون وقت دانشجویو اسلحه‌نداشتن زیر گلویش که بگن: «تا این‌جا اومدی، باید سر کلاس هم بری!» اما اون قدر میره و توی دانشکده ول ول می‌چرخه، که با یکی از استادها چشم‌تو چشم می‌شه و مجبور می‌شه بره سر کلاسش! به نامزد منم داریم این دسته از دانشجویهارو در ک کنیم!



کاتر ز نیوز | قایم‌موشک بازی کردن فیل، آفریقای جنوبی

تایخند

• با این که کره‌ای‌ها تو جام جهانی آلمان رو شکست دادند، با تخم مرغ از شون استقبال شد، ما هم از ژاپن سه تا خور دیم و مثل قهرمان‌ها از تیم استقبال شد، چون تخم مرغ گرونه!
• آگه از دهه هشتاد و نودی‌ها حرف W رو بگیریم ۹۹ درصد توی پت کردن فلج میشن، حاومد همایون هم توی عرصه خوانندگی!
• می‌گن به گوشت در باشه به گوش دروازه، خب اون حرف از مغز د میشه، آنالیز میشه، نمیشه که ری اکشن نداشت!
• تو سریال‌های ایرانی برای این که بگن به نفر هکر، به صحنه نشون میدن که داره بدون نگاه کردن به کیبورد تایپ می‌کنه!
• با این قیمت گوشت دیگه گوشت کوب به وسیله تجملاتی به حساب میاد!
• من همه‌اش نگران زیدانم، بیچاره تو این سرما با این وضع کچل بودنش، توصف مذاکرات برای سرمربی‌گری تیم ایران سرمانخوره!
• هموطن! آگه این انرژی رو که صرف هل دادن تو مترو می‌کنی، تو مسیر زندگیست استفاده کنی قطعاً موفق‌تر از اینه که هستی میشی!

دور دنیا

دزدی که انگشتر گران‌قیمت را بلعید

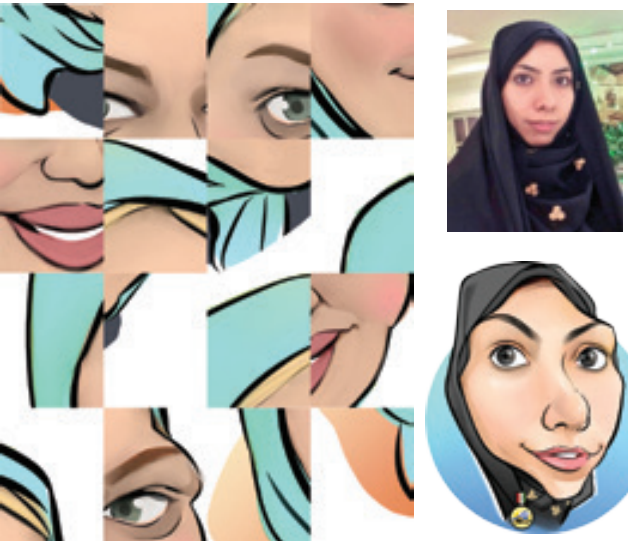


آدیتی سنترال – یک مرد ابروندی که برای تعطیلات به ترکیه رفته بود، در یک مغازه جواهر فروشی محلی یک انگشتر الماس به قیمت ۴۰ هزار دلار را بلعید! او بعد از درگیری ادعا کرد که قصد دزدی نداشته است و با دیدن انگشتر از خود بی خود شده و آن را خورده است. او بلافاصله دستگیر و در بیمارستان بستری شد تا انگشتر را به طریق طبیعی دفع کند اما مشخص شد انگشتر در روده‌های او گیر کرده است و باید با عمل جراحی خارج شود.

مسابقه این‌کیه؟

مسابقه با بانوی باران!

سلام. این هفته با یک چهره سینمایی و تلویزیونی معروف در خدمت‌تون هستیم که در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار فعال هستن. تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این‌کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۰۹۹۹۰۰۲۰۰ پیامک کنید. جواب رو دوشنبه همین‌جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد چاپ می‌کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید برنده مسابقه پیش، خانم مریم صحرانیان هستن که دوباره بهشون تبریک می‌گیم.



شماره پیامک
برای انتقاد و پیشنهاد
زندگی سلام
۰۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام
همشهری سلام
برای سوره‌های شما
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

را از ریشه درمی‌آورد، در میان ابری از دود و آتش از نظر هانایدید می‌شود. گفته می‌شود بعد از رفتن اوتامان حیوانات و درختان جنگل تخریب یا غیب می‌شوند و مدت‌ها قبایل هیچ چیز برای شکار و رفع گرسنگی نداشتند و دچار قحطی می‌شوند. یک‌نژادشناس به نام «جائوامریکوپرت» که گفت‌وگویی بارهبران این قبیله در سال ۱۹۵۲ داشته است مدعی می‌شود تمام ویژگی‌ها و توصیفات که آن‌ها از این موجود اسرارآمیز داشتند کاملاً بافانسانوردان و موشک‌های فضایی شباهت دارد. باوجودهمه این ادعاها علم وجود چنین موجوداتی را که در گذشته‌های دور به زمین آمده‌اند رد می‌کند و آن‌ها را صرفاً افسانه‌هایی می‌داند که به صورت تصادفی با مسائل مدرن امروزی همخوانی پیدا کرده‌اند.



underground science منبع:



تلگراف | امدادگری پرندگان را که از یک قفس در خانه‌ای سیل زده نجات داده آزادی کند، برزیل

تفال

بیا که پرده گلریز هفت‌خانه چشم

کشیده ایم به تحریر کارگاه خیال
چو یار بر سر صلح است و عذر می‌طلبید
توان گذشت ز جور رقیب در همه حال

کله چغونکی



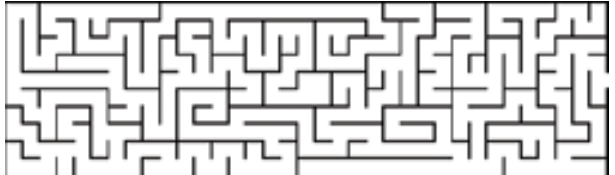
آق کمال به سر بازها احترام می‌گذارد

آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

مسودر فیتقم و عیالش آمده بودن خانه ماتا فوتبال ایران و چاپن ره ببینم. فوتبال که او جور کند ز ده اعصاب مان، رفتن سر بحث اصلی مان، خاطرات سربازی! یعنی ده‌ای قد از خاطرات سربازی مان تعریف کردم که هم تا دهن وا مکنم، کاملیا خانم و معصوم خانم عیال مسود، حال‌شان بد میشه. مسود گفت: «مثل ای که از سال ده‌گایب هانمتن سربازی شانه بخرن، یره چی شانس‌ی درن بچه‌های الان، پول مدن و غیبت شانه مخرن.» عیال گفت: «شانس چیه؟ الان واقعا خیلی زور داره که آدم این پول رو از زندگیش بکنه و بده بره، کار خوب رو شماها کردین که رفتین سربازی.» گفتیم: «ها واقعا خیلی کار خوبی کردم! چون مان در رفت دو سال!» معصوم خانم گفت: «شماها که از وقتی یادم میاد دارین از خاطرات خوش سربازی‌تون می‌گین؟ چه جوری بهتون سخت گذشته پس؟!» مسود گفت: «حالا سخت سخت هم نم‌گذشت، خوش هم م‌گذشت.» گفتیم: «سربازهای الان که حال م‌کنن. سر راهمان یگ ده‌کنه‌نگهبانیه، هر روز صبح که از جلوش رد مرم می‌بینم سرباز ه‌نشسته اونجی و مثلاً دره پاس مده!» کاملیا خانم: «خب چی کار کنه طفلی؟» کارش همینیه دیگه. اتفاقا هر بار که رد می‌شیم برات دست هم ت‌کون میده.» گفتیم: «خب مویم براش چراغ م‌دم، رفیق رفتن هم. ولی زمان ما که پاس دادنا ای جوری نبود. تو سرمای زمستون باید مرفتم رو کوه، خود گرگ‌ها تو او‌ها از خانه‌شان در نمی‌آمدن!» کاملیا خانم گفت: «مگه کوه‌های تهران گرگ داره؟!» به مسود چشم غره رفتیم و گفتیم: «حالا کوه دماوند که نه، همو تپه‌هاش...» مسود گفت: «منظور ش خاکریزهای پادگان‌شانه که هفته‌ای دو ساعت مرفته روش من‌نشسته تیرهای چراغ برق ره شمرده و با کلیسه‌ها بازی م‌کرده!»

همه زدن زیر خنده، اعصابم خرد رفت. گفتیم: «حالا مو با کلیسه و خارا الو بازی م‌کردم، تو چی که مامور سرویس بودی و با سوسک‌های حموم کله‌ونگ مرفتی!» فکر اینچی ره نکرده بود، خوب خورد تو پوزش. معصوم خانم که از خنده چشم‌هاش پر اشک رفته بود گفت: «جمع کنین خودتون رو، شما هم سربازی رفتین، اون طفل معصوم‌هایی که لب مرز و تو گرما و سرما نگهبانی میدین هم سربازی رفتن. من که هر جاسر باز ببینم پهبش احترام می‌ذارم، دور از خانواده و تو شرایط سخت، واقعا دلم براشون می‌سوزه.» عیال هم سر ت‌کون داد و تو چشم‌هاش اشک جمع رفت. دیدم فضا هندی شده گفتیم: «حالا شنبه بری ای سربازه که طفلی که در ده‌مد اداره پاس مده کیس و شیر ک‌کومر م‌ که ادا دی دین کرده باشم بهشان.» مسود گفت: «ها! ارشدش هم ببیننه و براش اضافه برنه!» بیا، ایم از ای!

ماریج (سختی ۶۰٪)



ماوشما

* برای کی‌روش:
حالا که طلای جام اومس شده است از باخت تیم عجیب‌دپرس شده است تا که دلش آرام بگیرد چندنی ست در سفر کلمبیا حس شده است!
علی گیاهی
* می‌خواستم یک تشکر ویژه کنم از کارمندان، پزشکان و پرستاران بخش جراحی زنان بیمارستان هفده شهریور، رفتار شون واقعا شایسته قدر دانی است. بنده چند روز پیش در این بخش بستری بودم، واقعا همه چیز عالی بود.
* در زندگی سلام از کشور های خارجی می‌نویسد و آن‌ها را معرفی می‌کنید، چرا از ایران و جاذبه‌های کشور خودمان نمی‌نویسید؟
* کاریکاتور علی ضیا هیچ شباهتی بهش نداشت. لطفا در کشیدن کاریکاتور دقت کنید تا کمتر پاسخ‌های متنوع داشته باشید.
* همه مطالب ۹ بهمن بسیار جالب بود. از دانش آموز بودن که به یاد دوران مدرسه افتادم و از دواج با سن بالا و دی‌روزی‌نامه آقای کاردار و... همه مطالب بسیار جالب بود.
ممنون، پایدار باشید.
فریدون آقائی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۷/۳۱۷

(نوبت دوم)

شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

این شرکت در نظر دارد برق رسانی به روستای آب تلخ شهرستان سرخس را از محل اعتبارات طرح تملک دارائی‌های سرمایه‌ای عمرانی (عوارض برق) با مبلغ برآوردی ۴/۱۹۱ میلیون ریال، از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از تمامی پیمانکارانی که دارای رتبه حداقل ۵ در رشته نیرو (برق) از سازمان مدیریت و برنامه ریزی هستند دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات تکمیلی به آدرس ir.www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی